

# کاشمیر

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۱۷ دی ماه ۱۴۰۳ / سال بیست و ششم / شماره ۲۹۰۹ / صفحه ۲۵۰۰ تومان

بازتاب یک خبر  
در گلشن مهر



۲

گلستان نیازمند سند جامع  
حوزه اجتماعی است



۳

زیست هنری

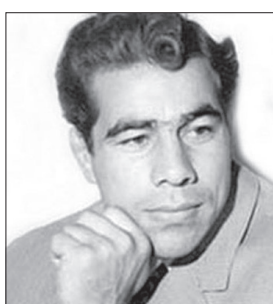


۳

## یادداشت اول

### جهان پهلوان تختی

■ احسان مکتبی



فتوت و جوانمردی در میان همه فضیلت‌های انسانی برای ایرانیان فضیلتی پر ارج و گران قیمت است، به این خاطر جوانمردان را دوست دارند و به اهل فتوت ارج می‌نهند. نگاهی به ادبیات غنی فارسی به ما یادآوری می‌کند که برای فرهنگ ایرانی برخی فضیلت‌ها جایگاه با شکوهتری داشته و دارند و امروز سالم‌تر یکی از نمادهای این فضیلت است. هفدهم دی ماه سالروز در گذشت جهان پهلوان تختی است. تختی اگر چه یک قهرمان کشتی بود اما به خاطر فتوت و جوانمردی نهادینه در وجودش برای مردم ایران جایگاه و شخصیتی اسطوره‌ای پیدا کرده است. همگان برای او احترام قایلند و او را دوست دارند. تختی برای ما ایرانیان ادامه پهلوان پوریای ولی است. شخصیتی آزاده و در خلعت مردم که باعث شده است نامش همواره با بزرگی پیوند بخورد و بخشی از هویت معاصر ما را شکل دهد. اما چرا تختی و پوریای ولی و امثال آنها برای جامعه ایرانی صاحب اهمیت هستند؟ در پاسخ باید بگوییم که برای یک جامعه در حال گذر و در دنیایی که رسانه حاکم بلامنزاع آن است باید با شناسایی و معرفی دقیق این چهره‌های اسطوره‌ای، فرهنگ غنی خود را به جهانیان و نسل معاصر معرفی کنیم و از این رهگذر هویت فرهنگی خود را به نمایش بگذاریم. ملتی که در فرهنگ خود اسطوره‌ای مانند آرش کمانگیر، رستم دستان، سیاوش و یا بزرگانی بسان فردوسی، حافظ، سعلی و مولانا دارد قطعاً دارای ریشه‌های پر قدرت فرهنگی است و نباید در دنیای مدرن در برابر بسیاری از ملت‌هایی که تازه به دوران رسیده‌اند، احساس کاستی کند. در این میانه آنکه مسوولیت اصلی برای معرفی این شخصیت‌ها و آثار با رسانه‌هایی است که توان تأثیر گذاری بیشتری در مخاطبان دارند، صدا و سیما باید با تولید برنامه‌های فاخر به معرفی این بزرگان بپردازد و وظیفه ملی خود را به انجام رساند. ساخت مجموعه‌هایی از اساطیر شاهنامه؟ داستان‌های نظامی گنجوی در آثار پنجگانه آن شاعر و هنرمند بزرگ ایرانی، روایت‌های گوناگون گلستان و بوستان جناب سعلی... و



چه لباس‌هایی در سفرهای  
زمستانی انتخاب کنیم  
« ۸ »



در ستایش ساختار  
« ۵ »



سنگک  
« ۴ »

# مدیریت مهاجرت



آمار وزارت علوم نشان می‌دهد که افزایش تحقیقات علمی در حوزه کشاورزی و صنایع می‌تواند باعث بهره‌وری بیشتر در استان شود. راهکارهای احراز صلاحیت برای گروه‌های اولویت‌دار:

۱. سابقه کاری و تحصیلی:
  ۲. تمکن مالی:
  ۳. برنامه کسب‌وکار و طرح‌های نوآورانه:
  ۴. تأیید سابقه مالیاتی:
- راهکارهای تسهیل مهاجرت نخبگان و کارآفرینان به استان:
۱. معافیت‌های مالیاتی و تسهیلات مالی:
  ۲. نخبگان اقتصادی و کارآفرینانی که کسب‌وکارهای نوآورانه راه‌اندازی می‌کنند یا در بخش‌های کلیدی اقتصادی مانند صنایع تبدیلی و گردشگری سرمایه‌گذاری می‌کنند، باید از معافیت‌های مالیاتی ۱۰ تا ۱۵ ساله بهره‌مند شوند.
- ادامه در صفحه ۲

منابع آبی استان است و افزایش بی‌رویه جمعیت می‌تواند فشار بیشتری به منابع وارد کند. ۲. فشار بر زیرساخت‌ها: طبق گزارش مرکز آمار ایران، نسبت پزشکان به جمعیت در استان گلستان ۵۴ پزشک به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر است که کمتر از میانگین کشوری است (۱۰۰ پزشک به ازای ۱۰۰ هزار نفر). با افزایش مهاجران کم‌صلاحیت، این فشار بر سیستم بهداشتی و سایر زیرساخت‌ها می‌تواند بحرانی‌تر شود. ۳. ضرورت توسعه پایدار: تمرکز بر جذب مهاجرانی که بتوانند ارزش اقتصادی افزوده ایجاد کنند (مانند کارآفرینان و سرمایه‌گذاران) می‌تواند به رشد پایدار اقتصادی استان کمک کند و از بروز مشکلاتی مانند بیکاری، فقر، و نابرابری اقتصادی جلوگیری کند. گزارش اتاق بازرگانی گلستان نشان می‌دهد که نرخ بیکاری استان در سال ۱۳۹۸ حدود ۱۰.۲ درصد بوده که این رقم در صورت افزایش جمعیت مهاجر غیرمولد، می‌تواند بالاتر رود. چرا جذب مهاجر باید بر مبنای اولویت‌بندی هوشمندانه انجام شود؟ با توجه به محدودیت‌های زیرساختی و طبیعی، استان گلستان نمی‌تواند به‌طور همزمان پذیرای هر نوع مهاجری باشد. جذب مهاجران باید بر اساس معیارهای دقیق و هوشمندانه انجام شود تا:

۱. اقتصاد استان تقویت شود: تمرکز بر جذب نخبگان اقتصادی و کارآفرینان که توانایی ایجاد کسب‌وکار و اشتغال‌زایی دارند.
۲. منابع بهینه مدیریت شوند: با توجه به منابع محدود آب و زمین‌های کشاورزی،

مهلی مزیدی - مهاجرت یک تیغ دو دم است، هم می‌تواند امکان تولید ظرفیتهای جدید را فراهم آورد و هم می‌تواند همه دستاوردها را از تمدنی بستاند. بر این اساس در بخش نخست این یادداشت با عنوان مهاجرت به گلستان نویسنده کوشیده بود تا خطرات مهاجرت بی‌رویه را شرح و بسط نماید. اینک در ادامه چگونگی مدیریت مهاجرت و توجه به عوامل سیاست‌گذاری، قانونگذاری و توجه به راهبردها را مورد توجه قرار داده است. امید که انتشار چنین نوشتارهایی به مدیران ارشد گلستان به غنای گفت و گو و نقد و نظر در مسیر توسعه گلستان یاری رساند. پیش از طرح سوالات و ارائه راهکارها، باید پیشاپیش اذعان کرد که برخی از راهکارها جنبه قانون‌گذارانه دارد که بخشی از آنها در حوزه عمل و صلاحیت پارلمان محلی، یعنی شورای اسلامی استان است و بخشی دیگر نیازمند مجوزهای فرادستی و احیانا مصوبات مجلس شورای اسلامی است. اما پرسش اصلی آن است چرا نباید مسیر مهاجرت به استان گلستان برای همه افراد به یک میزان هموار باشد؟ طبق آمار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان، جمعیت استان گلستان در سال ۱۳۹۵ حدود ۱.۹ میلیون نفر بوده است و پیش‌بینی می‌شود که با نرخ رشد سالانه حدود ۱.۲ درصد، جمعیت تا سال ۱۴۰۵ به بیش از ۲.۱ میلیون نفر برسد. در حالی که ظرفیت‌های زیرساختی و منابع طبیعی استان به دلیل بحران آب و کاهش مساحت جنگل‌ها و مراتع محدود است.

### دلایل اصلی:

۱. بحران آب: بر اساس گزارش وزارت نیرو، استان گلستان از نظر منابع آب زیرزمینی در وضعیت نسبتاً بحرانی قرار دارد و سالانه حدود ۸۵ درصد از منابع آب استان به کشاورزی اختصاص می‌یابد. این مساله نشان‌دهنده محدودیت جدی

ادامه تیتیر یک

مدیریت  
مهاجرت

۱. وام‌های کم‌بهره برای تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری در استان در نظر گرفته شود.

۲. مسیر سریع صدور مجوزهای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری: برای نخبگان اقتصادی و کارآفرینان، فرآیند صدور مجوزهای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری باید تسریع شود و به صورت خودکار و دیجیتالی انجام گیرد.

۳. خدمات رفاهی و اجتماعی ویژه: نخبگان اقتصادی و خانواده‌هایشان باید از خدمات رفاهی ویژه شامل تسهیلات مسکن، خدمات بهداشتی و بورسیه‌های تحصیلی برای فرزندان‌شان بهره‌مند شوند.

۴. توسعه مناطق ویژه اقتصادی: ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در استان که به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی مزایای مالیاتی و تسهیلات زیرساختی ارائه دهد. راهکارهای محدودسازی مهاجرت سایرین: برای محدود کردن مهاجرت افرادی که خارج از گروه‌های

اولویت‌دار هستند، باید از ابزارهای غیرمستقیم استفاده شود:

۱. عدم ارائه تسهیلات دولتی: مهاجرانی که فاقد صلاحیت‌های لازم هستند، نباید از تسهیلات دولتی مانند وام‌های کم‌بهره، مسکن ارزان یا یارانه‌ها بهره‌مند شوند. این سیاست باعث می‌شود که مهاجرت به استان برای این گروه‌ها کمتر جذاب شود.

۲. الزام به تمکن مالی بالاتر: مهاجرانی که خارج از گروه‌های اولویت‌دار هستند باید گواهی تمکن مالی بالاتری ارائه دهند تا بتوانند در استان اقامت کنند. برای این گروه‌ها، شرط تمکن مالی می‌تواند دو برابر شرط مهاجران اولویت‌دار تعیین شود.

نتیجه‌گیری: استفاده از آمار و ارقام رسمی و تدوین سیاست‌های هوشمندانه برای جذب نخبگان اقتصادی و کارآفرینان استان گلستان می‌تواند مسیر توسعه پایدار را طی کند. این طرح با احراز صلاحیت‌های

دقیق، ارائه تسهیلات مالی و رفاهی و اولویت‌دهی به مهاجران واجد شرایط به توسعه اقتصادی و اجتماعی استان کمک خواهد کرد. به این ترتیب، با جذب نخبگان اقتصادی و کارآفرینان، استان می‌تواند از ظرفیت‌های موجود خود به شکل بهینه‌تری استفاده کرده و به رشد پایدار دست یابد. همچنین، با استفاده از ابزارهای غیرمستقیم، بازدارنده‌مانند عدم ارائه تسهیلات دولتی به افراد فاقد صلاحیت و افزایش شرط تمکن مالی برای آنها، می‌توان از مهاجرت بی‌رویه و ورود افراد کم‌صلاحیت به استان جلوگیری کرد. در نهایت، برنامه‌ریزی هوشمندانه برای مهاجرت به استان گلستان از طریق جذب نخبگان و متخصصان، و همچنین محدود کردن مهاجرت‌های غیرمولد، می‌تواند این استان را به یک مقصد موفق برای مهاجران اقتصادی تبدیل کند و باعث شکوفایی اقتصادی و اجتماعی استان در بلندمدت شود.

کارشناس صنایع، شهروند گلستانی ساکن در ونکور کانادا

## بازتاب یک خبر در گلشن مهر

حاضر نشدند لحظاتی از وقتشان را صرف احوال‌پرسی از من بنمایند! یادآور می‌شود که پس از چاپ مطلب، ولی شربتی برغم کسالت اما برسم قدرشناسی چند بار تماس گرفت و اقدام گلشن مهر را ستود. از نظر وی این رسانه و فضای مجازی کاری کردند کارستان. زیرا بعد از چاپ گزارش و نقل و قول از آن در گروه‌های مجازی (واتساپ، تلگرام و اینستاگرام) دوستداران رشته‌ی کشتی در اقصی نقاط جهان، نسبت به او ابراز ارادت داشتند و برایش تندرستی را آرزو نمودند. امیدواریم آنگونه که یک بیمار بروی تخت بیمارستان، ارزش کار رسانه را پاس می‌دارد، حداقل مسئولین جامعه‌ی ما نیز گوش شنوا برای شنیدن مشکلات و رسیدگی به آن‌ها داشته باشند.



قابل توجه مسئولین هیات کشتی استان:

## داور بین‌المللی کشتی استان در بستر بیماری

حالا و روز و ورزش در بین‌المللی کشتی در کشتی استان خبری یادآور می‌شود که ول پودیند دوباره بارها در شرف جنگ و حضور در کس از آن به من می‌بروهی مسلح طی کردن کلاس‌های بین‌المللی کشتی برای چهار روز متناوب به به عنوان رئیس تربی‌های مختلف ورزشی را به نامش رسد و شکا جا دارد که متولیان روز بخورد آمده و در مساله تا ببینند کجا واقع برای ولی اله شربتی در استان‌ها آرزوی بهبودی در استان را آرزو شده امروز که فردا میرسد



بهنام نیک پیام  
اطلاعاتی برای شرکت‌های لری، فرقی ندارد قابلیت تکثیرات در مکنی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و شد، زیرا تمامی اینها دارای مشترکاتی می‌باشد در جهت حفظ آن‌ها تورا نه مولود که دارای اهمیت است، انسانی و ارج نهادن به جایگاه واقعی بدون تزیین توجه به زیورها و منابع خیرالهیست است و فقط از آن‌ها ن‌بار و جریان نابرابری به همراه دارد

که واقعا آزرده خاطرم ساخت و بر روی تخت بیمارستان بدجوری دلم شکستا! بارها با خودم گفتم شاید بزعم آقایان من جایگاهی در کشتی ندارم که دوستان

شد به گونه ای که دردم را فراموش کردم. درکنار این همه لطف و محبت، متأسفانه و صدافسوس دریغ از حتی یک تماس از سوی هیات کشتی استان

بهنام نیک پیام- پس از چاپ خبر و گزارش بستری شدن ولی شربتی، داور بین‌المللی و پیشکسوت کشتی ایران در یکی از بیمارستان‌های گرگان در روزنامه‌ی گلشن مهر، بازتاب و پژواک آن در داخل و خارج از کشور تعجب برانگیز بود! نخست باید اذعان نمایم که جز رسالت مطبوعاتی و پایبندی به قلم که توتم من است، کار خاصی انجام نداده‌ام. اما ی گلشن مهر، باعث شد که بسیاری از بزرگان و نامداران عرصه‌ی کشتی در داخل کشور و خارج از ایران جوایز و جوایز شربتی شدند که این میزان پیگیری برای وی نیز تعجب برانگیز بود! به قول خودش تماس‌ها و پیگیری بزرگان کشتی ایران و بعضا کشورهای دیگر، باعث دلگرمی و قوت قلبم

جهان‌پهلوان  
تختی

یا دهها حکایت مثنوی شریف و دهها اثر روایی دیگر باید در زمره تولیدات اصلی رسانه ملی قرار گیرد تا شهروندان با شناخت دقیق‌تر گذشته خود به آینده امیدوارتر شوند و الا نباید از نسل حاضر انتظار آموزه‌هایی را داشت که به آنها نیاموخته‌ایم. کودک و نوجوانی که در رسانه‌ها داستان فتوت و جوانمردی، بخشش و از خود گذشتگی و مهربانی و دستگیری را در تبار خویش می‌بیند، بدون شک به گونه‌ای متفاوت به زندگی و آینده خواهد نگریست و جهان‌بهرتری برای خود و دیگران خواهد ساخت، کاش کمی از لجاجت و رفتارهای خردسالانه دست برمی‌داشتیم و علمی و روزآمد به پدیده‌ها توجه می‌کردیم. امروز در دنیای سیطره رسانه، صدا و سیمای ما نه با فردوسی حکیم و داستان‌های شاهنامه سر آشتی دارد و نه شهروندان ایرانی نامی از رستم، تهمینه، ضحاک، روداو، زال، سیاوش، بیژن، منیژه و... در رسانه ملی می‌بینند و شوربختانه نه نامی از بزرگان و شخصیت‌های فرهنگی و ادبی معاصر در آن یاد می‌شود. در همین گلستان امروز ما آیا فیلمی که استنادار و وزیر سابق فرهنگ و ارشاد درباره جناب مختم قلی فراغی قول ساختن را داده بودند و تیتیر اول گلشن مهر شده بود، جامه عمل به خود پوشید؟ آیا شخصیت‌های دیگر این دیار ظرفیت آن را ندارند تا اثری درباره آنها ساخته شود. اسداله معطوفی، حسین میر کاظمی، جعفر ارشاد، مسیح ذبیحی، کریم اله قائمی، نازمحمد پقه، حاج آخوند نظری و بسیاری دیگر از بزرگانی که عمری را برای این آبادانی گذاشته‌اند، آیا شایسته تولید یک اثر کوتاه نبوده‌اند؟ آیا در زندگی آنها درس‌هایی برای شهروندان امروز نبوده و نیست؟ حقیقت آن است که ما گرفتار سقف‌های کوتاهی شده‌ایم که در آن فهم‌های عمیق راهی ندارد اما راه دیگری جز گام زدن در همین مسیر نیز نمی‌شناسیم.

صاحب امتیاز

مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گلستان گفت: ۱۸ خانواده کلاه‌ای در قالب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت صاحب زمین و مسکن می‌شوند. به گزارش روابط عمومی، داوود خسروی از برگزار مراسم قرعه‌کشی تخصیص زمین به خانوارهای مشمول قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در روستای ماللی شیخ غراوی خبر داد و اظهار کرد: در این مرحله از واگذاری سه هزار و ۶۰۰ متر مربع زمین با کاربری مسکونی و به صورت رایگان به ۱۸ خانواده تخصیص پیدا کرد. وی از آغاز عملیات زیرسازی پنج هزار مترمربع از معابر خاکی روستای سلاقی یلقی با اعتبار یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان با مشارکت دهیاری روستا خبر داد و افزود: با همت دهیاری اهالی این روستا و از محل اعتبارات قیر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به زودی پنج هزار متر مربع از معابر خاکی این روستا اسفالت خواهد شد. مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گلستان گفت: عملیات زیرسازی معابر این روستا توسط امور اجرایی و ماشین‌آلات عمرانی بنیاد مسکن استان در حال اجرا است.

## ۱۸ خانواده کلاه‌ای صاحب زمین و مسکن می‌شوند

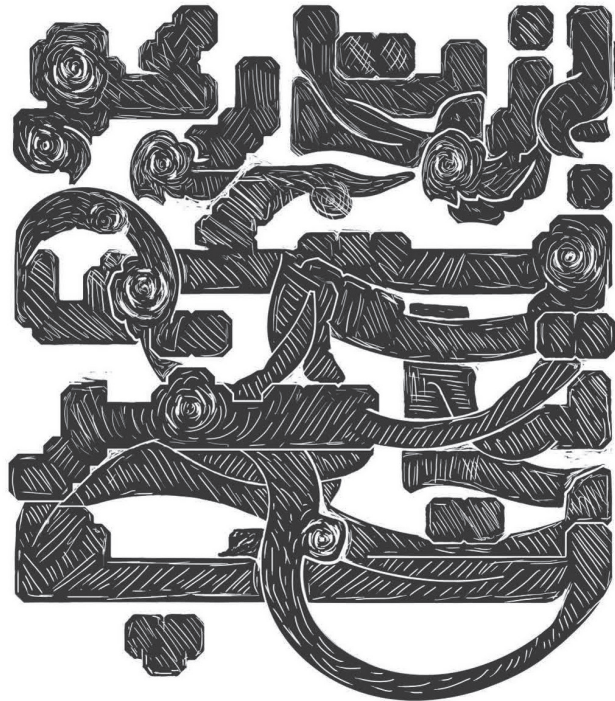
جلیل گللی امان‌زاده افزود: میانگین سن وفات یافتگان در کشور طی ۹ ماه گذشته ۶۶.۵ سال و برای مردم استان گلستان ۶۲.۳ سال بوده است اما بررسی میانگین سن افراد هنگام وفات در گلستان نشان می‌دهد که مردم ساکن در مناطق شرقی این استان کمتر از اهالی ساکن در غرب آن عمر می‌کنند. امان‌زاده ادامه داد: میانگین سن مردم شهرستان مرزی مراوه‌تپه ۹۰ سال، اهالی ۲ شهرستان رامیان و کلاه‌در شرق استان به ترتیب ۵۷.۳ و ۵۷.۴ سال، متوسط عمر مردم گالیکش ۵۸.۳ سال و گنبدکاووس ۶۰.۹ سال و مینودشت ۶۲.۱ سال است. رئیس اداره ثبت احوال گنبدکاووس یادآور شد: این آمارها می‌تواند مبنایی برای تحقیق و پژوهش محققان و مراکز علمی قرار گیرد که علت تفاوت معنادار بین طول عمر اهالی غرب و شرق گلستان چیست؟ امان‌زاده ادامه داد: سبک زندگی و رژیم غذایی و حوادث و سوانح رانندگی منجر به فوت و بیماری‌ها و شرایط اقلیمی، می‌تواند پیش‌فرض دلیل کاهش عمر ساکنان شرق گلستان در تحقیق و پژوهش محققان باشد.

## اهالی شرق گلستان کمتر از میانگین کشوری عمر می‌کنند

رئیس اداره ثبت احوال گنبدکاووس گفت: مطابق بررسی‌های انجام شده توسط سازمان ثبت احوال کشور، میانگین سن وفات‌یافتگان شهرستان‌های گلستان نشان می‌دهد که اهالی شرق این استان نسبت به میانگین کشوری و حتی ساکنان مناطق غرب و مرکز استان، کمتر عمر می‌کنند. به گزارش روابط عمومی،

# زیست هنری

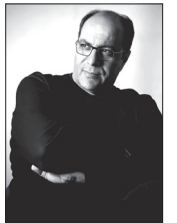
یادداشتی برای نمایشگاه از: تارکوفسکی، تا: سقرتپه



مروزی بر آثار تجسمی جواد عظیمی ۷ الی ۱۳ دی ماه، گرگان، نگارخانه ندا

چون غرض آمد هنر پوشیده شد  
صد حجاب از دل به سوی دیده شد

حسین ضمیری - هنرمندان اندکی را سراغ داریم که هنرشان، بیان مستقیم از خود آنها است. همه ما به خوبی می‌دانیم که مفهوم و زیبایی شناسی یک اثر، مقولات واقعی نیستند، یعنی فاقد واقعیت مرئی هستند. زیبایی شناسی به یک نظام مربوط است و سبک به



یک طرز بیان و واکنشی از خود انسان، هیچ کلام از این‌ها - به هر طریق - با واقعیتی که یک اثر تازه و نو به وجود می‌آورد، قابل مقایسه نیستند. انسانی که به سبک تجربی خودش دل بسته و تبحر دارد، انسانی خودآگاه است. هنرمند همواره به اثری که در اکنون خود خلق می‌کند بیشتر علاقه دارد. درک لحظه حال و خلق اثر اکنون، نقطه نظری تازه به او می‌دهد تا نسبت به آثار قبلی خود در مقطعی به صورت عمد فراموشکار بشود. مقولات انتزاعی از حقیقت لازم برخوردار نیستند، چون حقیقت بایستی به زندگی بپردازد و دقیقاً زندگی باید با ظرافت‌های خاص به تصویر کشیده شود، نه آنکه تنها دستاویزی برای خلق آثار باشد. مقیاس‌ها، فرضیه‌ها، قضاوت‌های کلی، معادل‌ها و قانون‌ها همه و همه ناپود کنندگی زندگی هستند. نوشتن درباره سبک و ساخت یک اثر، نوشتن درباره ناپدینگی هاست. در واقع هنرمند عرصه تجسمی، رنگ و قلم را برای توصیف تصویری به کار می‌برد که باید آن را دید، نه آنکه آن را بشود خواند. خیلی بی‌معنی و بی‌مسماست نوشتن در خصوص چیزی که خواندنی نیست. وقتی به مقوله نقد یک اثر می‌پردازیم به نوعی داریم آن اثر را خلاصه می‌کنیم. این رفتار ضمانتی برای حال هنرمند نیست، یا بهتر است بگوییم این آنگهی دیدار به زندگی نمی‌پردازد. هنرمندان واقعی همیشه در حال شدنند. آنها دائم در زمان حال ابدی زیست می‌کنند. زیست هنری یعنی هنرمند چون خلاصه نمی‌شود و دائم در زندگی حال خود وجود دارد، نمی‌تواند سبکی متناوم داشته باشد. او می‌داند بیان گفتگو به وسیله ابزار و آثار هنری، چهره واقعی اش را به نمایش می‌گذارد و او به خوبی آگاه است که درون او، بازتاب شفاف زندگی لبریز از جامعه پیرامونی است. ما با کنکاش در زیست هنری یک هنرمند واقعی در می‌یابیم که دنیای امروز نیازمند افرادی است که نیازهای روانی و عاطفی انسان‌ها و حوادث اطراف خود را

دریافت کرده و به خلق اثری ناقص دست می‌زند. نقص خودآگاه آن اثر، اثر را شبیه پازلی می‌کند که چند تکه از آن در اختیار صاحب پازل نیست. صاحب پازل به خوبی می‌داند که تکه‌های مفقوده در اختیار مخاطب فهم است، پس کزیدورهایی را برای نصب تکه‌های به ظاهر گمشده می‌گذارد تا پس از جاگذاری، به تکاملی پویا و همسو با مخاطب برسد. در این زمان است که درک کلیت یک اثر هنری - به صورت همزمان - برای صاحب اثر و مخاطب رخنمون پیدا می‌کند. زیبایی این نکته آن است که هر مخاطب، با تکه‌های فهم خود به این تکامل کمک می‌کند و میرسد. در این میان، برداشت‌های مختلفی از یک اثر



امکان دارد اتفاق بیفتد. تکامل آن هنرمند در برهه‌های مختلف زندگی، زندگی در آن ملام، آنی که انعکاس دائم جریان اتفاقات عادی روزمره زندگی اوست، آثار مختلفی را به خلق می‌نشانند. این آثار متنوع، مخاطبان همسو و مختلفی را با ادراکاتی متفاوت جذب می‌کند. نمایشگاه مروزی ۳۰ ساله بر آثار جواد عظیمی، یکی از زیباترین و جذاب ترین زیست‌های هنری چند دهه اخیر استان و کشور بود. در مواجهه با آثار او هم تکامل زیستی قابل مشاهده بود و هم دغدغه‌های اجتماعی و زیست محیطی وی در جغرافیایی به نام ایران. نمادها، اسطوره‌ها، افسانه‌ها، زئال‌ها و سوررئال‌ها و حتی وجه نامگذاری تابلوها، نشانگر درک حرفه‌ای او از یک زیست پر از مکاشفه و حیرت بود. او حتی به نمادهای اسطوره‌ای نیز در قالب طنز تصویری، آگاهانه حمله کرده بود. دیدار او در بسیاری از تابلوها، دیدی ذهنی بود و به خوبی معلوم بود که مکاشفه، جزئی از لذات اوست. واکنش‌ها،

شگفت زدگی موجود در طراحی‌ها و نقاشی‌ها آینه‌ای شفاف از خود او بود. هنرمند برای لحظات از برابر این آینه، کنار می‌رود تا مخاطب در جای او به نظاره و ارتباط بنشیند و این یعنی دعوت به مشارکتی عاطفی، هویت یاب و برانگیزاننده احساس. جواد عظیمی روایتگر خوبی است. در آثارش موضوع یا شخصیتی را به راحتی بر روی صفحات بی جان، جان می‌بخشد. آثارش پل رابطی زیبا و مستحکم است برای نشان دادن استحاله‌های متفاوت روح یک هنرمند در زمان‌هایی گوناگون.

هنرمندی که در طول این مدت به چیزی جز زیست هنری - با تمام ناملایمات - نه فکر کرده و نه پرداخته است. ما در این نمایشگاه - که برای آن در نگاه اول محدوده‌ی تاریخی معین شده و در نگاه دوم، محدوده جغرافیایی - در رویارویی کلبیتی به نام شخصیت هنرمند و کلبیتی به نام موقعیت سهیم می‌شویم. عظیمی در این موقعیت آفرینی، بر اجرای حرکات ساکن اصرار دارد. او هوشمندانه به دنیای ترکیب، طراحی و استفاده ابزاری از رنگ‌ها وارد می‌شود. حتی در خلق آثار تجسمی که از نماد یا مواد مختلف بهره برده بود، به خوبی نشان داد که عناصر محیط پیرامون زندگی خود را می‌شناسد و با بهره‌وری آگاهانه، به بازآفرینی موقعیت‌های مختلف پرداخته است. او در کنار تخیل و خلق آثار نقاشی، طراحی، مجسمه سازی و فیلم؛ نظرات و دغدغه‌های خود را در قالب ... به چشم و گوش و ذهن مخاطبان حاضر و مخاطبان جهان رسانه رسانیده است. او با برگزاری نمایشگاه‌های هنری خود، ضمن ابراز اعتراضی هنرمندانه به مسئولین داخلی و کارگروه‌های جهانی، بارها بارها پرچمدار بزرگی برای ابراز وجود و حساسیت های هنرمندان شهرستانی بوده است. جواد عظیمی به تنهایی در شهرستان گرگان و استان گلستان، به خلق رویدادهایی دست زد که سال‌ها بعد توسط گروهی از هنرمندان در تهران - به صورت کپی و غیر مرتبط - اتفاق افتاد. نپرداختن عاملان رسانه‌های تخصصی دنیای هنر ایران، هیچ وقت نمی‌تواند از ارزش‌های کار او و هنرمندان مشابه شهرستانی در سراسر کشور کم کند. آنها خلاقانه، جسورانه و متعهدانه در گوشه‌ی جغرافیایی تاریخی خود، به زیستی هنری مشغولند و بی هیچ چشم داشتی می‌خواهند تا با انتشار زیبایی و دانگری، جهان را بهتر از روز قبل، به آیندگان تحویل بدهند. از جواد عظیمی بابت به نمایش درآوردن آثار زیبا و تاثیرگذار ایشان و از خانم میرقاسمی - مدیر محترم نگارخانه ندا - بابت همراهی متعهدانه و همیشگی اش صمیمانه سپاسگزارم.

زمره می‌کنم:  
نقشبندی می‌کند هر دم خیالش در نظر  
دی ماه ۱۴۰۳ - گرگان

## خبر

### گلستان نیازمند سند جامع حوزه اجتماعی است



استاندار گلستان مقابله با آسیب‌های اجتماعی را یک اقدام و فرآیند جمعی همه جانبه دانست و گفت: در حوزه اجتماعی این استان به سند جامع نیاز دارد. به گزارش روابط عمومی، علی‌اصغر طهماسبی در نشست کارگروه اجتماعی، فرهنگی، زنان و خانواده گلستان اظهار کرد: دشمن بنیان خانواده ایرانی را هدف قرار داده و مقابله با توطئه‌ها نیازمند تلاش همگانی است. وی در موضوع آسیب‌های اجتماعی، توجه به کودکان را یک امر جدی برشمرد و گفت: همه در یک کشتی نشسته‌ایم و نباید همدیگر را زیر سوال ببریم و لازم است به همدیگر کمک کنیم. استاندار گلستان با تاکید بر استفاده از همه ظرفیت‌های کاهش آسیب‌های اجتماعی افزود: فعالیت سمن‌ها در این حوزه نباید نادیده گرفته شود و باید از این ظرفیت به نحو احسن استفاده کنیم. طهماسبی بیان کرد: مردم شایسته تکریم هستند و لذا همه باید به موضوع عدالت اجتماعی توجه ویژه داشته باشیم.

## »»

### دیدار دستیار ویژه رئیس جمهور با خانواده شهدا در بندر ترکمن

دستیار ویژه رئیس جمهور و رییس شورای امور اقوام، ادیان و مذاهب در ادامه سفر به استان گلستان با حضور در بندر ترکمن با اعضای خانواده شهیده مرجان نازقلیچی فرماندار فقید این شهرستان و از جان‌باختگان حادثه منا دیدار و گفت‌وگو کرد. به گزارش روابط عمومی استانداری گلستان، حجت الاسلام سید محمود علوی را در این دیدار مدیرکل حوزه استاندار گلستان و فرماندار شهرستان ترکمن همراهی کردند. دستیار ویژه رئیس جمهور در ادامه سفر به بندر ترکمن از حوزه علمیه خواران الزهرا این شهر دیدن کرد و از نزدیک در جریان فعالیت‌های این مدرسه علوم دینی قرار گرفت.

## »»

### دمای هوا از دوشنبه کاهش می‌شود

کارشناس هواشناسی گلستان گفت: به تدریج از امروز تا روز سه شنبه به واسطه گذر امواج ضعیفی از فراز استان افزایش ابر، بارش‌های خفیف پراکنده و کاهش دما مورد انتظار است. به گزارش روابط عمومی، ملیحه معقولی اظهار کرد: بر اساس الگوهای هواشناسی به تدریج از امروز تا روز سه شنبه به واسطه گذر امواج ضعیفی از فراز استان افزایش ابر، بارش‌های خفیف پراکنده و کاهش دما مورد انتظار است. کارشناس هواشناسی گلستان گفت: مجدد از روز چهارشنبه تا پایان هفته جوی آرام برای استان پیش بینی می‌شود. معقولی اظهار کرد: روز گذشته آق قلا با ۲۰ درجه دما جز گرم‌ترین شهرهای استان به ثبت رسیده است. به گفته کارشناس هواشناسی گلستان کمینه دمای پارک ملی گلستان ۲- درجه ثبت شد.

## داستان کوتاه

## سنگک

فرشید (کریم) دیلمی معزی



باید عجله می کردم می رفتم، با خودم فکر می کردم؛ رضا کله پز، پشت پیش خوان است یا نه و امروز از کجا سنگک می خرد؟ احتمالا می رود آن طرف راه آهن. پیکان جوانان آلبالویی اش هم که همیشه اول گذر پارک بود، به چشمم نخورد. از گذر که خارج شدم، دوباره دید چشم‌هایم محدود شد و خواستم عینکم را تمیز کنم که از روبه‌رو کسی تنه‌ی سخت زد و غیب شد. برگشتم که بگویم: «هییییی چه خبره...!» که منصرف شدم. تهران جایی برای شنیدن خبرهای خوب نیست، پشت سر خبر مرگ بود؛ مرگ مرضیه خانم. مرضیه خانم، خیلی دوست داشت عروسی من و فرهاد را در یک روز بگیرند ولی قصه نسرین افتاد وسط ما دو تا. می دانستم مرضیه خانم از این ماجرا خبر دارد و حتی می دانستم، خبر دارد که نسرین دلش با من است. کم کم رسیدم به چهارراه. روزهای قبل که همه چیز واضح بود، می شد نسرین را آن طرف خیابان در وسط شلوغی تشخیص داد. آخر رنگ موهایش خیلی قشنگ و قرمز بود. آن طرف خیابان، وسط آن حجم از آدم‌هایی که از پله‌ی مترو بالا می آمدند اگر به رنگ قرمز دیده می شد، من خوشبخت‌ترین آدم روی زمین می شدم. آخرین باری که عینکم را تمیز کردم روبه‌روی اعلامیه فوت مرضیه خانم بود. دوباره اشک از چشم‌هایم سرازیر شد. خواستم شیشه‌های عینک را برای ثبت واضح‌تر لحظه‌ای که خوشبخت‌ترین آدم روی زمین می شدم، تمیز کنم. کناری من هم داشت شیشه عینکش را تمیز می کرد و کناری همه کناری‌ها داشتند، شیشه عینکش را تمیز می کردند. شاید به خاطر اینکه می خواستند، مثل من لحظه‌ای را با وضوح بیشتر ببینند. چراغ راهنمایی سوسوی قرمزی زد، پشت خط عابر پیاده، همه اتومبیل‌ها در یک زمان هماهنگ، برف پاک‌ن‌ها را به کار انداختند برای وضوح بهتر. راه افتادم و فقط من راه افتادم و کسی انگار نباید می گذشت از آن خیابان جز من. جز من و راننده‌ای که هم با سرعت زیاد می راند و هم عینکش را پاک می کرد و با خودش بوی سنگک می آورد. فقط فرصت کردم خیلی سریع عینکم را به چشمم بزنم و رو کنم به آن طرف خیابان که قرار بود مثل همیشه، نسرین از پله‌های مترو بالا بیاید.

مجبور بودم، هر ۲۰ ثانیه شیشه عینکم را پاک کنم و مجبور بودم در همان حال بایستم و حرکت نکنم؛ چون اصلا رویرویم قابل رویت نبود. خدا خدا می کردم به وقت عبور از گذر بازار، وضعیت دیدم بهتر که نه بلتر هم شود و چشمم به رضا کله‌پز، برادر نسرین نیفتد که اگر می‌افتاد؛ مجبور بودم مثل بزله‌ها سرم را برگردانم به آن طرف گذر تا ناچار سلام بدهم به پسر مرضیه خانم که از وقتی هنوز نسرین به دنیا نیامده بود، می‌گفتند خاطرخواهش شده و من همیشه حس می‌کردم روزی یکی از آن سنگک‌های آویزان روی سیخ نانوالی‌اش می‌شوم. افتادم تو گذر فرشید لوطی اما همه چیز مثل یک روز آفتابی واضح شد. چشمم داشت در دهانه مغازه، روی طبق کله‌ها می‌لغزید که سرم را برگردانم به آن طرف گذر و پیچید و سر خورد و روی یک اعلامیه ایستاد؛ «به علت فوت مادر، نانوالی تعطیل می‌باشد». اشک از چشم‌هایم سرازیر شد. وقتی مادر، سینه‌هایش خشک شده بود، این مرضیه خانم بود که تا وقت از شیر گرفتیم، شیرم داد. حتی چند روزی بیشتر از فرهاد که الان شاطر محله است. صدایش توی گوشم پیچید که بارها گفته بود؛ «هوای همو داشته باشین که من خیلی هواتونو داشتم و دو دستی با هم شیرتون می‌دادم». فرهاد، جلا از قصه نسرین، کینه‌اش را با من از همین‌جا بسته بود که چند روزی بیشتر از او توی بغل شیر خوددم. بچه‌های محل هم، گاه و بیگاه همین متلک را بارش می‌کردند.

## شعر گلستان

فاطمه خاتمی  
علی آباد کتول

## راه

رفته بودم کمی قدم بزنم  
راه با من قدم‌زنان می‌رفت  
راه، راهی نداشت جز رفتن  
از زمین سوی آسمان می‌رفت  
«هر که رفته است، بر نمی‌گردد.  
شاید ایراد، مانانم باشد.  
باید این‌بار، من خودم بروم.»  
راه می‌گفت و از میان می‌رفت  
خسته از سنگ‌های روی تنش  
از قدم‌ضربه‌های بر بلنش  
رفت.. شاید که آسمان وطنش..  
رفت.. اما به لامکان می‌رفت  
راه از ردّ پا دلش پر شد  
ردّ پا تیغ تیز رفتن بود  
راه، رگ بود و هر که می‌آمد  
تیغ در دست، خون‌چکان می‌رفت  
آمد و دل به بودنش بستم  
زود رفته است، بعد او دستم  
گرچه خالی ست، هم‌چنان هستم  
او به آغوش دیگران می‌رفت  
فعل «ماندن» اگر نماندنی است  
فعل «رفتن» همیشه می‌ماند  
هیچ راهی نمانده اما باز  
آدمی زاد هم‌چنان می‌رفت

## «گردو»

سرم ابری پاره پاره،  
ظاهر و باطنم دریا،  
من درخت گردکائی‌ام در پارک گلخانه،  
جوانه جوانه، شاخه شاخه، گردویی کهنسال.  
نه تو این را میدانی، نه پلیس می‌داند.  
من درخت گردکائی‌ام در پارک گلخانه،  
برگ‌هایم در آب، چون ماهی غوطه‌ور  
برگ‌هایم چون دستمال ابریشم، در اهتزاز  
برچین و اشکت راه ای شکوفه من، پاک کن.  
برگ‌هایم دستانم‌اند، صد هزار دست دارم،  
با صد هزار دست تو را لمس می‌کنم، و استانبول را.  
برگ‌هایم چشمانم‌اند، با حیرت می‌نگرم.  
با صد هزار چشم تو را نظاره می‌کنم، و استانبول را.  
همچون صد هزار قلب می‌تپند، می‌تپند برگ‌هایم.  
من درخت گردکائی‌ام در پارک گلخانه؛  
نه تو این را می‌دانی، نه پلیس می‌داند.

ترجمه‌ی مسلم یوسف‌زاده



۱۳ سال از زندان آزاد می‌شود و در ۵۰ سالگی  
برای فرار از خدمت نظام وظیفه ناگزیر از ترکیه  
می‌گریزد. شعرهای او که به ۳۰ زبان دنیا منتشر  
شده بود، سال‌های سال اجازه انتشار به زبان مادری  
در کشور خودش را پیدا نکرد. ابر دل‌باخته، برادر  
زندگی زیباست، خون سخن نمی‌گوید، شمشیر  
داموکلس، طغیان زنان، رمان رماتیک‌ها، فریاد وطن،  
شهری که صدایش را از کف داده‌است، جمجمه،  
خانه آن مرحوم، خون خاموشی می‌گیرد، نام گم  
کرده، حماسه شیخ بدرالدین، چشم‌اندازهای  
انسانی کشور من، تبعید چه حرفه دشواری است،  
از یاد رفته، تصویرها، شیخ بدرالدین پسر قاضی،  
چشم‌اندازهای آدمی، عناوین بعضی از کتاب‌های  
اوست. جلال خسروشاهی، رسول یونان، احمد  
پوری و ابوالفضل پاشا، از مترجمینی هستند  
که شعرهای حکمت را برگردان و نشر کرده‌اند.

## «مانده‌ام چگونه تو را فراموش کنم»

مانده‌ام چگونه تو را فراموش کنم  
اگر تو را فراموش کنم  
باید سال‌هایی را نیز  
که با تو بوده‌ام فراموش کنم  
دریا را فراموش کنم  
و کافه‌های غروب را  
باران را  
اسب‌ها و جاده‌ها را  
باید دنیا را  
زندگی را  
و خودم را نیز فراموش کنم  
تو با همه چیز من آمیخته‌ای

ترجمه‌ی رسول یونان

## شعر جهان



## ناظم حکمت

امروز ۱۳۳مین سالگرد تولد ناظم حکمت‌ران،  
معروف به ناظم حکمت است. او زاده ۱۵ ژانویه  
۱۹۰۲ در سالونیک، دومین شهر بزرگ یونان امروزی  
است که در آن زمان جزو امپراتوری عثمانی  
بود. او درگذشته ۳ ژوئن ۱۹۶۳ در مسکو است.  
ناظم از برجسته‌ترین شاعران و نمایشنامه‌نویسان  
ترکیه با تباری لهستانی، گرجی، فرانسوی است.  
او سرودن شعر را از سن ۱۴ سالگی آغاز کرده  
است. چند سالی در روستایی دورافتاده در ترکیه  
به معلمی پرداخت و به علت عقاید کمونیستی  
در سن ۲۷ سالگی با دو حبس ۲۰ و ۱۵ ساله به  
۳۵ سال زندان محکوم می‌شود و پس از تحمل

# در ستایش ساختار

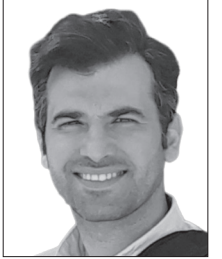
ادبیات کلاسیک راوی و لحن مشخص است. صحنه مشخص است و همه چیز در مستقرترین شیوهی خود. چرا که در دوران کلاسیک جهان دارای معنا تلقی می شد. معنایی مشخص. و در تندرانه ترین دیدگاه الهی دانستن جهان و مهم بودن خواست خداوند موجب می شد تا در مقیاسی کوچک تر، خواست نویسنده ی متن، مهم تر از «ادراک خواننده» باشد و اسماعیل درک شخصی، قربانی شود اما در دوران ما جهان دیگر بامعنا نیست. بدین سبب متون از تک معنایی به سمت بی معنایی و یا چندمعنایی گذر کرده و مباحثی چون پیرنگ و شخصیت پردازی، جای خود را به تاویل متن داده اند. حال در این میان، تکلیف شخصی که به نظم اعتقاد و یا نیاز دارد چیست؟ رهروی که با اتکا به برهان نظم، وجود خالق را می طلبد، با اتکا به همین ایده در جستجوی نیست مندی پیشینی خالق و نظم دار بودن متون است. کشف قاعده ای که جهان و متن از آن پیروی می کند، مانند کشف مبحثی جدید در ریاضیات و یافتن مصداق های آن در جهان بیرون، برای یک رهرو لذتی بی کران است. میل به ساختار میلی ست مذهبی. ۴- در مطالعه ی متون بسیار پیش می آید که ایده هایی بیابم که می توانند قوام پیدا کنند و تاثیر بنیادی داشته باشند. جمله هایی که در کنار هم و یا به تنهایی روندی و ایده ای را پیش می آورند. اما کم می بینم که نویسنده از این امکانات استفاده کرده باشد و یا اصلا به وجود آنها پی برده باشد و قدرشان را دانسته باشد و باشد! بی خیال سجع های معاصر. اینکه اثر ساختاری را خلق کند و بعد در مهم ترین لحظه، عامدانه آن را بشکند، لذتی است که نصیب نویسنده ای آگاه می شود. اما کامل بودن ساختار یک متن موجب می شود که در میانه های اثر بتوانم حداقل بخشی از ادامه را حدس بزنم. در کمترین حالت موجب می شود که غافلگیر نشوم. ایده آل ترین شیوهی استفاده از ساختار، به زعم من، آنجاست که ایده ی روایی خود را به کلمات تسری می دهد و گره خوردگی محتوی و متن را به شیوه ای ناگسستنی ارائه می دهد.



می خواهد وجود خالق را اثبات کند. اما مقایسه ای کوتاه بین تئوری های کلاسیک و معاصر می تواند نتایج جالبی را به دست دهد. در ادبیات داستانی کلاسیک (چرا که ساختار به مفهوم واقعی و کامل خود در ادبیات داستانی اجرا می شود و تداعی، این مهم ترین تکنیک ساختاری، تکنیکی از آن نثر است) تئوری ها در مواردی چون پیرنگ، شخصیت پردازی و توصیف صحنه و لحن مطرح می شوند. در صورتی که در ادبیات داستانی معاصر مواردی چون پیرنگ کمترین بهایی ندارند. نظریه ادبی معاصر، ذهن خود را بر تئوری هایی نظیر مرگ مولف، هرمنوتیک و تاویل متن و رابطه ی بین متن و خواننده متمرکز کرده. تئوری هایی که مثل «از اثر تا متن» بارت، نه به آنچه نویسنده می گوید، بلکه به آنچه خواننده ادراک می کند، توجه دارد. تاکید ادبیات کلاسیک بر پیرنگ بدین دلیل بوده که خواننده چیزی جز آنچه نویسنده می خواهد بگوید، ادراک نکند. در

داستان شکل می گیرد و در پایان با همان کلمات اول و یا ترکیبی از آنها پایان می یابد. اما ایده های ساختارگرایانه در متن ممکن است متن را در دریای زبان شناسی غرق کند و تحلیل و بررسی را از کلیت متن و پاراگراف به جمله و حتا دو کلمه در کنار هم هدایت کند. صورت ایده آل برای متون ساختارگرایانه دخیل شدن ایده های قصوی در متن و منبعث شدن ایده های متنی از روایت داستان است. متنی که بدین شیوه حاصل می شود عمدتا متنی خودبسنده، یکه، غیرقابل دستکاری و نخیه گرایانه است. چرا که پذیرش عمومی یک متن ادبی عملتا در گرو فرم آن است. و ساختارگرایی گاه متن را به سمت شکستن تمام آن چیزهایی می برد که یک متن عامیانه به آنها تکیه دارد. ۳- در نگاه کلاسیک، نوشتن با دید ساختاری در حقیقت تقلیدی از خالق، و بررسی با نگاه ساختاری، تلاش های رهروی است که با اتکا به برهان نظم

**جواد حاتم نژاد / گرگان**  
- در ایران ما، بسیاری مباحث تئوریک، صرفا براساس نامشان شناخته می شوند. و نام که در ترجمه نابود می شود، بیانگر تئوری پشتش است. این اتفاقی است که برای «مرگ مولف»



افتاده. اما مشکلی که با ساختار و ساختارگرایی دست به گریبان است از نوع دیگری است. ایراد رایج بسیاری از ما، اشتباه گرفتن ساختار و فرم است. اینکه فرم و شکل ظاهری اثر، که گاه هیچ ارتباطی با محتوی و درون مایه اثر ندارد را ساختار بنامیم و ساختارگرایی را فرمالیسم (شکل گرایی) خطاب کنیم. ۱- ساختارمند بودن یک متن ادبی به معنای وجود قاعده و یا قواعدی است که اجزا و یا اجزایی از آن متن، بر مبنای آن قاعده شکل گرفته باشد. عیان و نهان بودن این قاعده (ها) به هیچ عنوان تاثیری در ساختارگرایانه بودن آن ندارد. چه در بسیاری متون استخراج این قواعد نیازمند ساعت ها تحلیل و بررسی است. ۲- این قواعد می توانند در قصه ای اثر و یا به صورت ایده های متنی در کلمات آن شکل گرفته باشد. اولین متونی که با نگاه ساختارگرا بررسی شدند داستان های عامیانه و به اصطلاح «داستانهای پریان» بودند. (رجوع به ریخت شناسی داستان های پریان) ایده هایی که استخراج شد ۳۱ کارکرد و یا پیرنگ بودند که تمامی داستان های عامیانه در این ۳۱ مورد خلاصه می شدند و هیچ داستانی نبود که پیرنگی اساسی جدای این ۳۱ مورد داشته باشد. ایده هایی متنی که در اثری ادبی ظهور یابند غالبا ظاهر متن را به سمت فرمالیسم رهنمون می شوند. با این تفاوت بسیار عظیم که فرمالیسم، در کاربرد حداکثری، تعدادی شکل و کلیشه است که کلمات متن خود را در آن ها جای می دهند. مانند فرم دایره. که متن با جمله ای یا عبارتی آغاز می شود

## شعر گلستان

### ۴ شعر تازه

از سید حمید کلچوبی فو، گرگان



(۱)

مگر شب  
چند دکمه

از پیراهنت باز کرده بود

که گلوی ماه

تا گردن قوها

روی برکه پایین خزیده بود

خواب ریل ها می پیچد

آینه ی شکسته می شود با سوت قطار

بر ایستگاه آب ...

وقتی دست می تکانی

یعنی امید برگشتنت هست ...

صبح بخیر

پره های بالشم

عربانی پرنده ای ست

که به آسمان پشت می کند

(۲)

شب پوست می اندازد

با پولک ستاره

و قلاب سپید اش

کلاه بر می دارد از سر افتاب ....

گاه سر خم می کند

در خود می پیچد

تا مهربان باشد شکل علامت سوال

من کجای این سطر

دريا را گم کردم در مهتاب ...

زورق اگر نباشم

بخدا پرنده خواهم شد

یا پرجمی افتاده روی ساحلت

برای تماشا ی همیشه ی دریا ..

(۳)

خیابان،

بدون دست های من و تو

گم خواهد شد

حتی اگر شلوغ نباشد

(۴)

کویا یان،

شب عبور گیسوان توست

لای انگشت های من

ستاره های چسبناک

روی تارهایی

که روزی سیاه می نوشتند

غمی که آسمان را

پس بگیرم از ماه

طاقة ناخن هایم کند

زیر دندان ها صبح شد

از یلدا ی بی خبری

آه بلند گیسوا!

به پایانت، چنگ می زنم



نور یعنی همین تغزل من

راحمه شهربازی، گرگان

به قول قیصر عزیز  
«گل ها همه آفتابگردانند»

فکر اینکه دوباره می آیی به سرم می زند نمی خوابم

با خیالت خوشم، پر از هیجان، مثل یک بچه روی

یک تابم

سرعتم را زیاد می کنم و تا به بالاترین کجا برسم

دست من را بگیر و بعد آغوش وا بکن تا خود

خدا برسم

قصه ی آفتابگردان است، من نگاه از تو بر نمی دارم

زل زدم در تو آفتاب بزرگا! زل زدم در تو نور می بارم

نور یعنی همین تغزل من، وقتی از دو گذشت

نیم شب

حس یک وحی، مثل یک آتش، شعله را می کشد

به دور لب

آتش است این دهانم ابراهیم، امتحانی بکن که گل

بکند

شهره ی عالمی شود غزلم، کارکرد د ف و دهل بکند

داستان نگاهمان بی شک، قصه ی روزگار خواهد

ماند

از تو گفتن، شنیدن و خواندن، در صدامم بهار

خواهد ماند



# جادوی پیاده روی مدرسه



## روستاییان از خانه‌های نایمن خود دل نمی‌کنند



مدیر بنیاد مسکن گنبدکاووس گفت: روستاییان این شهرستان با وجود دریافت وام مسکن و ساخت خانه جدید، به سختی از خانه‌های نایمن خود دل نمی‌کنند و با اصرار بر استفاده از این ساختمان‌های قدیمی، احتمال بروز خسارت مالی و جانی در زمان بروز حوادث را بالا می‌برند. به گزارش روابط عمومی، مرتضی صابری اظهار کرد: برخی روستاییان، وام نوسازی مسکن را صرف احداث خانه جدید در قسمتی از حیاط واحد مسکونی قدیمی خود می‌کنند و پس از ساخت مسکن جدید، خانه قدیمی را تخریب نکرده و همچنان از آن استفاده می‌کنند. وی از کم دوام بودن ۵۶ درصد از مجموع ۴۷ هزار واحد مسکونی واقع در مناطق روستایی گنبدکاووس خبر داد و اضافه کرد: با وجود اینکه طی چند سال اخیر هر سال به‌طور متوسط هزار تا هزار و ۲۰۰ واحد مسکونی در روستاهای این شهرستان مرزی نوسازی می‌شود اما از شمار واحدهای غیرمقاوم آن کاسته نمی‌شود. وی گفت: در سال‌های گذشته فقط بر تعداد واحدهای مسکونی روستایی اضافه شده و خانه قدیمی که در فهرست بناهای غیرمقاوم ثبت شده از این فهرست خارج نمی‌شوند. صابری افزود: این مشکل در شورای مسکن گلستان هم مطرح شده و تاکنون راهکار قانونی برای تخریب این خانه قدیمی نداریم اما یکی از پیشنهادها، قطع خدمات (انشعابات آب، برق و گاز) است. مدیر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گنبدکاووس در ادامه از آسفالت ۷۰ هزار مترمربع از راه‌های روستاهای ۲ بخش مرکزی و دانشلی برون این شهرستان مرزی با ارزش ریالی ۴۹۰ میلیارد ریال در ۶ ماه گذشته خبر داد و بیان کرد: آسفالت ۱۱۰ هزار مترمربع دیگر هم در دستور کار امسال قرار دارد. وی گفت: آسفالت راه‌های روستایی با مشارکت دوسویه بنیاد مسکن و دهیاران و از محل تخصیص سهمیه قیر رایگان درحال انجام است. صابری با اشاره به تخصیص قیر رایگان به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ادامه داد: در صورت مشارکت دهیاران مناطق روستایی گنبدکاووس در چند سال آینده همه راه‌های روستایی این شهرستان آسفالت خواهد شد. مدیر بنیاد مسکن گنبدکاووس همچنین گفت: مطابق دستورالعمل، این نهاد گذرگاه اصلی روستا را آسفالت می‌کند و آسفالت دیگر راه‌های روستا باید با مشارکت دهیاران انجام شود. وی افزود: گنبدکاووس ۱۶۲ روستای بالای ۲۰ خانوار دارد که تمامی آنها دارای طرح هادی هستند. مدیر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گنبدکاووس همچنین از پرداخت سه هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال تسهیلات ارزان قیمت نوسازی مسکن روستایی از ابتدای امسال تاکنون خبر داد و گفت: تا پایان سال مالی ۱۴۰۳ افزون بر هزار واحد مسکونی غیرمقاوم در مناطق روستایی این شهرستان نوسازی می‌شوند.

کنید. خبر را دریافت کنید، با دوستانتان گپ بزنید و قبل از اینکه متوجه شوید، می‌توانید یک تیم داشته باشید. یک مسیر امن را انتخاب کنید، آن را آزمایش کنید و بهترین، ایمن ترین و نزدیک ترین مسیر و برنامه‌ها را انتخاب کنید. هنگام انتخاب مسیر، با پاسخ به این چهار سوال بهترین مسیر را انتخاب کنید: ایمن‌ترین مسیر کدام است؟ ایمنی همیشه برنده است. مسیریایی را انتخاب کنید که بچه‌ها بتوانند با خیال راحت از آن عبور کنند و از ترافیک شلوغ اجتناب کنند. مستقیم ترین مسیر کدام است؟ بچه‌ها باید به موقع به مدرسه بروند! یک مسیر مستقیم اما ایمن کلید پیاده روی مدرسه است. آیا گاردهای عبور و مرور و مسیره‌های پیاده روی وجود دارد؟ گذرگاه‌ها و پیاده‌روهای ایمن، که روی آن را بدون نگرانی نگه می‌دارند. آیا مسافت برای سن مناسب است؟

صرفه جویی در زمان: پیاده روی مدرسه یک صرفه جویی در زمان و سلامت عقل برای بسیاری از والدین است. با ماشین‌های کمتر، همه سریعتر وارد و خارج از منطقه مدرسه شده و این یعنی نشستن کمتر در ترافیک و شاید سردرد کمتر. شروع ساده پیاده روی مدرسه شما: راه اندازی پیاده روی مدرسه می‌تواند مانند یک پروژه بزرگ به نظر برسد، اما برای شروع نیازی به انجام کارهای بزرگ ندارد. فقط با چند کودک از محله خود شروع

هو کاهش یافته و با هر قدم، یک گام به هوای پاکیزه نزدیک تر می‌شوید. محله‌ای دوستانه و امن تر: پس از مدتی استفاده از پیاده روی مدرسه متوجه می‌شوید که محله شما امن تر و دوستانه تر شده است! این کار باعث میشود همسایه‌ها همدیگر را شناخته و یک جامعه فشرده و فعال ایجاد شود که مراقب یکدیگر هستند. این یک دستورالعمل زیبا برای موفقیت است. افزایش میزان سلامتی: پیاده روی روزانه باعث پمپاژ خون کودک شما می‌شود. این بدان معنی است که آنها بیارتر و آماده تر برای یادگیری هستند و با صبح‌های خواب‌آلوده خداحافظی میکنند. پیاده‌روی تا مدرسه مهارت‌های پیاده‌روی مادام‌العمر را تقویت کرده و به مرور زمان احساس استقلال و اعتماد به نفس ایجاد می‌کند.

بالا بردن تمرکز و انرژی: بر اساس مطالعات انجام شده، افزایش پیاده روی به بهبود تمرکز و خلق و خوی کودکان کمک می‌کند. پیاده‌روی‌های صبحگاهی انرژی کودکان را افزایش داده و به آنها کمک می‌کند تا برای روزی پر از انرژی در کلاس درس آماده شوند. علاوه بر این، ترافیک خودروهای ورودی مدرسه نیز کاهش پیدا میکند. کمک به محیط زیست: پیاده‌روی تا مدرسه به معنای استفاده کمتر از ماشین است، در نتیجه آلودگی

این سرویس به‌صورت گروهی به مدرسه می‌روند و یک یا چند داوطلب بزرگسال پیشنهاد آنها هستند. مسلماً راه رفتن در یک گروه همسالان بسیار سرگرم کننده تر از ۱۰ دقیقه نشستن در ماشین است! این کار به سادگی با جمع شدن چند بچه محل که در یک مدرسه هستند آغاز میشود و چه بسا آغاز دوستی‌هایی باشد بی پایان. وارد اتوبوس مدرسه پیاده روی شوید! این ایده خارق‌العاده شادی، ورزش و احساس اجتماعی را به محله شما می‌آورد.

فوائد پیاده روی مدرسه چرا این افسانه را که همنشینی با اتومبیل کارآمدترین راه برای رساندن بچه‌ها به مدرسه است را از بین نمی‌بریم؟ با پیاده روی مدرسه، هرج و مرج صبحگاهی را کاهش داده و کل گروه را فعال نگه می‌دارد و از فواید بینظیر این روش بهره‌مند میشود. برخی از این فواید عبارتند از: هم مانند سرویس اما همراه با خنده و گام‌هایی برای سلامتی بهتر. طبق بررسی‌های سازمان بهداشت جهانی کودکان در طول روز به ۶۰ دقیقه فعالیت بدنی نیاز دارند. چه راهی بهتر از قدم زدن تا مدرسه برای شروع روزی بهتر، سلامتی بیشتر، کاهش وزن و روحیه‌ای شادتر برای شروع آموزش. پیاده روی مدرسه میتواند پاسخ مناسبی برای رسیدن به تمام این اهداف باشد. پیاده روی مدرسه چیست؟ پیاده روی مدرسه دقیقاً همان چیزی است که به نظر می‌رسد. یک اتوبوس یا ماشین، اما ساخته شده از پاها! بچه‌ها در

مدرسه فرزند شما با خانه فاصله چندانی ندارد اما برای او سرویس مدرسه گرفته‌اید. نگران او هستید و می‌گویید محیط خراب است، بازیگوش است و ممکن است هنگام عبور از خیابان بازیگوشی کند. فرزند شما هر روز صبح با بی‌حوصلگی سوار سرویس شده و چند دقیقه بعد به مدرسه میرسد. حالا تصور کنید فرزندان نیم ساعت زودتر بیدار شود و با دوستانش لبخند زنان و قدم زنان در مورد درس و علاقه‌شان گپ می‌زنند و به مدرسه می‌روند. به راستی کدامیک بهتر است. سرویس مدرسه یا پیاده روی؟! به گزارش ایرنا زندگی، ایده پیاده روی مدرسه را برای اولین بار در حین نوشیدن چای صبحگاهی شنیدم، تعجب کردم که چرا قبلاً چنین ایده‌ای به ذهنم نرسیده است. جمع کردن بچه‌های محله در یک مدرسه و پیاده روی دسته جمعی به سمت مدرسه درست همانند سرویس اما همراه با خنده و گام‌هایی برای سلامتی بهتر. طبق بررسی‌های سازمان بهداشت جهانی کودکان در طول روز به ۶۰ دقیقه فعالیت بدنی نیاز دارند. چه راهی بهتر از قدم زدن تا مدرسه برای شروع روزی بهتر، سلامتی بیشتر، کاهش وزن و روحیه‌ای شادتر برای شروع آموزش. پیاده روی مدرسه میتواند پاسخ مناسبی برای رسیدن به تمام این اهداف باشد. پیاده روی مدرسه چیست؟ پیاده روی مدرسه دقیقاً همان چیزی است که به نظر می‌رسد. یک اتوبوس یا ماشین، اما ساخته شده از پاها! بچه‌ها در

هزار و ۱۰۰ حوزه علمیه فعال دارند که هزار و ۶ واحد ویژه مردان و مابقی مربوط به زنان است. عضو شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت نیز در این نشست حمایت و پیروی از رهبر معظم انقلاب را شکر نعمت برای وجود انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دانست و افزود: فعالیت حوزه‌های علمیه یکی از برکات انقلاب اسلامی است که در ترویج اتحاد، برادری و همدلی تأثیر به‌سزایی دارد. آخوند

آنها مرد و ۳۰۰ نفر زن هستند. به گزارش روابط عمومی، محمد حمیدی در نشست صمیمی علمای اهل سنت و نخبگان استان گلستان با دستیار ویژه رییس جمهور و رییس شورای امور اقوام، ادیان و مذاهب اظهار کرد: گلستان رنگین‌کمان اقوام است و علاوه بر اهل تسنن، اقوام دیگر در آن زندگی می‌کنند. سرپرست معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان گفت: اهل سنت در گلستان

سرپرست معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان گفت: هزار و ۹۰۰ طلبه اهل سنت در گلستان تحصیل می‌کنند که هزار و ۶۰۰ نفر

## هزار و ۹۰۰ طلبه اهل سنت در گلستان تحصیل می‌کنند

سرپرست معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان گفت: هزار و ۹۰۰ طلبه اهل سنت در گلستان تحصیل می‌کنند که هزار و ۶۰۰ نفر

## چه لباس‌هایی در سفرهای زمستانی انتخاب کنیم

اما یکی از مهم‌ترین عوامل برای لذت بردن از این سفرها، انتخاب لباس‌های مناسب برای هوای سرد است. لباس‌هایی که نه تنها شما را در برابر سرمای شدید و بادهای تند محافظت می‌کنند، بلکه راحتی و آزادی حرکت را نیز فراهم می‌آورند



انتخاب لباس برای سفرهای زمستانی نقش مهمی در راحتی و ایمنی شما دارد. با انتخاب لباس‌های مناسب، تجربه‌ای گرم و به‌یادماندنی از سفر خواهید داشت. به گزارش ایرنا زندگی، سفرهای زمستانی، تجربه‌ای متفاوت و هیجان‌انگیز است که ما را به دل مناظر برفی و هوای تازه و خنک دعوت می‌کند؛ اما یکی از مهم‌ترین عوامل برای لذت بردن از این سفرها، انتخاب لباس‌های مناسب برای هوای سرد است. لباس‌هایی که نه تنها شما را در برابر سرمای شدید و بادهای تند محافظت می‌کنند، بلکه راحتی و آزادی حرکت را نیز فراهم می‌آورند. از لایه‌های زیرین گرم‌کننده گرفته تا کت‌های ضد آب و کفش‌های عایق، هر قطعه از لباس زمستانی نقشی حیاتی در حفظ گرما و سلامت شما در طول سفر دارد. علاوه بر جنس پارچه‌هایی نظیر پشم و کشمیر، برندها نیز از عوامل مهم در انتخاب لباس زمستانی هستند. در اینجا، به بررسی نکات مهم در انتخاب و استفاده از لباس‌های مخصوص هوای سرد می‌پردازیم.

### لباس‌های ضروری برای سفرهای سرد و زمستانی

سفر به مناطق سردسیر و زمستانی نیازمند آمادگی کامل، به‌ویژه در انتخاب لباس است. هدف اصلی از انتخاب لباس‌های مناسب، حفظ گرمای بدن، جلوگیری از نفوذ سرما و راحتی در حرکت است. در ادامه به‌طور جامع‌تر به توضیح لباس‌ها و تجهیزات ضروری برای این نوع سفرها می‌پردازیم.

### لایه‌بندی مناسب

سیستم لایه‌بندی یکی از کلیدی‌ترین اصول در انتخاب لباس‌های زمستانی است. این روش نه تنها گرما را حفظ می‌کند، بلکه امکان تنظیم دمای بدن در شرایط مختلف را فراهم می‌کند. لایه‌بندی این لایه‌ها مستقیماً با پوست تماس دارد و وظیفه اصلی آن دفع رطوبت و جلوگیری از احساس سرما است. لباس‌هایی از جنس پشم مرینوس یا الیاف مصنوعی بهترین گزینه هستند. این مواد نه تنها رطوبت را جذب می‌کنند بلکه سریع خشک می‌شوند. استفاده از لباس‌های نخی توصیه نمی‌شود زیرا رطوبت را در خود نگه می‌دارند و باعث سرد شدن بدن می‌شوند.

لایه میانی: این لایه وظیفه عایق‌بندی حرارتی را بر عهده دارد و به حفظ گرمای بدن کمک می‌کند. ژاکت‌های پارچه‌ای پشمی یا لباس‌هایی از جنس الیاف مصنوعی عایق‌گرفته‌های بسیار مناسبی هستند. ضخامت لایه میانی باید با توجه به دمای مقصد انتخاب شود.

لایه بیرونی: این لایه شما را در برابر باد، برف و محافظت می‌کند. کاپشن‌های ضد آب و ضد باد که دارای قابلیت تنفس هستند بهترین انتخاب‌ها محسوب می‌شوند. همچنین لایه بیرونی حاصل کنید که کلاه و زیپ‌های این لایه به خوبی مانع نفوذ سرما شوند.

### شلوار مناسب

پاها از جمله اندام‌هایی هستند که باید به خوبی در برابر سرما محافظت شوند. برای این منظور بهتر است، شلوارهای ضد آب و عایق‌دار یا شلوارهای مخصوص اسکی انتخاب کنید که برای شرایط برفی و یخبندان مناسب هستند. این شلوارها باید سبک و راحت باشند و در عین حال از ورود آب و باد جلوگیری کنند. برای لایه زیرین، از شلوارهای تنگ یا لگ‌های گرم‌کن که از جنس پشم مرینوس یا مواد حرارتی مشابه هستند استفاده

از سرباز سبک و طراحی ارگونومیک برخوردار باشد. همچنین سعی کنید برای بهتر دیده شدن در برف یا شرایط کم نور، از لباس‌هایی با رنگ روشن استفاده کنید.

لباس خواب گرم: شب‌های سرد زمستانی نیازمند لباس‌های خواب گرم و راحت است. شلوار و بلوز پشمی یا لباس‌های گرم‌کن سبک، گزینه‌های مناسبی برای خواب در چادر یا محل اقامت سرد هستند. در ضمن همیشه یک دست لباس اضافه همراه داشته باشید تا در صورت خیس شدن، جایگزین کنید.

انواع پارچه‌های گرم و مناسب برای لباس‌های سفری: پارچه‌های گرم و مناسب برای لباس‌های سفری باید سبک، بادوام و عایق گرما باشند. در زیر به چند نوع از این پارچه‌ها اشاره می‌کنیم:

### پشم

پارچه یا لایه پشم معمولاً در کاپشن‌ها و ژلیه‌ها استفاده می‌شود و از بهترین عایق‌ها برای هوای سرد است. پشم، سبک و فشرده شونده است و به راحتی در کیف یا چمدان جای می‌گیرد؛ اما اگر در معرض رطوبت قرار گیرد، عایق بودن خود را از دست می‌دهد و به همین علت آن را با یک لایه ضد آب ترکیب می‌کنند. این نوع لباس‌ها برای سفر به مناطق کوهستانی یا برفی بسیار مناسب هستند.

### پشم مرینوس

پشم مرینوس نوعی پشم بسیار نرم و سبک است که از گوسفندان مرینوس به دست می‌آید. این پارچه علاوه بر عایق گرمایی، تنفس‌پذیری بالایی دارد و از تعریق بدن جلوگیری می‌کند. ویژگی ضد بوی آن، باعث می‌شود برای استفاده طولانی‌مدت در سفرهای طبیعت‌گردی یا کمپینگ عالی باشد. لباس‌های زیر حرارتی یا جوراب‌های ساخته‌شده از مرینوس انتخابی مناسب برای حفظ گرما و راحتی هستند. نکات مهم در بسته‌بندی لباس‌های گرم برای سفر بسته‌بندی درست لباس‌های گرم برای سفرهای زمستانی، به شما کمک می‌کند تا هم از فضای چمدان به‌طور بهینه استفاده کنید و هم راحتی در سفر را تجربه کنید.

### میکروفایبر

میکروفایبر پارچه‌ای سبک و نرم است که برای شال‌ها، دستکش‌ها یا پتوهای سفری کاربرد دارد. این پارچه خاصیت خشک‌شونده سریع دارد و می‌تواند به راحتی شسته و دوباره استفاده شود. میکروفایبر به دلیل وزن کم و قابلیت جمع‌شدن در اندازه کوچک، برای سفرهای کم‌جا یا حمل آسان وسایل انتخابی عالی است.

کنید. این لایه به حفظ گرما کمک می‌کند و در عین حال عرق را دفع می‌کند.

### کفش‌های ضد آب

انتخاب کفش مناسب نقش بسیار مهمی در راحتی شما ایفا می‌کند. کفش‌های ضدآب با کفی‌های آج‌دار و قابلیت عایق‌بندی، برای جلوگیری از سرد خوردن و استفاده در برف و یخ ضروری هستند. همچنین استفاده از جوراب‌های پشمی ضخیم یا حرارتی داخل کفش نیز، به افزایش گرما و جلوگیری از تاول کمک می‌کند.

### اکسسوری‌های ضروری

اکسسوری‌ها نقش حیاتی در حفظ گرمای بدن و جلوگیری از نفوذ سرما دارند.

کلاه گرم: کلاه‌های پشمی یا بافتنی که گوش‌ها را می‌پوشانند، بهترین انتخاب هستند؛ چرا که این کلاه‌ها می‌توانند به‌طور مؤثری از اتلاف گرما از طریق سر جلوگیری کنند.

دستکش: دستکش‌های ضدآب و عایق‌دار از جنس مواد حرارتی یا گورتکس مناسب هستند. اگر به استفاده از تلفن همراه نیاز دارید، دستکش‌هایی که دارای قابلیت لمسی هستند انتخاب کنید.

شال گردن یا گتر گردن: برای محافظت از گردن و جلوگیری از نفوذ باد، شال گردن‌های ضخیم یا گترهای گردن گزینه‌های مناسب به‌شمار می‌آیند. این اکسسوری‌ها فضای خالی بین کاپشن و صورت را به خوبی پوشش می‌دهند.

عینک آفتابی: برف می‌تواند نور خورشید را به شدت بازتاب دهد و باعث آسیب به چشم‌ها شود؛ بنابراین برای محافظت از چشم‌تان در سفرهای زمستانی، حتماً از عینک‌های آفتابی با بالا استفاده کنید.

جوراب‌های مناسب: پاها بیشتر از هر نقطه دیگری از بدن، در معرض سرما و رطوبت قرار می‌گیرند؛ بنابراین برای گرم نگه داشتن پاها از جوراب‌های پشمی یا حرارتی با ضخامت مناسب استفاده کنید. در سفرهای زمستانی بهتر است، در لایه داخلی از جوراب‌های نازک برای جلوگیری از ساییدگی و تاول و در لایه بیرونی از جوراب‌های ضخیم‌تر برای حفظ گرما استفاده کنید.

کاپشن و پالتو: کاپشن‌های زمستانی باید از ویژگی‌هایی نظیر عایق‌بندی مناسب برای حفظ گرما، ضدآب بودن برای جلوگیری از نفوذ برف و باران، داشتن کلاه با قابلیت تنظیم برای محافظت